



Religious strategy of Imam Khomeini (may God bless him and grant him peace) in a confrontation with the United States of America in the era of the Pahlavi Sultanate

Mohammad ali Hamedani

Ph.D. in the Islamic Revolution, Ma'arif University, Qom ,Iran hamedanee@gmail.com

KEYWORDS

Political jurisprudence of Imam Khomeini (may God rest his soul)
Religious rite of Imam Khomeini (may God have mercy on him)
Peace rule
political jurisprudence
jurisprudence of ties between sects
American foreign policy Iranian foreign policy

ABSTRACT

A Danish strategy for the survival of Islam in Islamic law, equivalent to the jurisprudence of a new decision. Imam Khomeini's (may God have mercy on him) in different dimensions of the decision, but also from the angles of a different story that was attributed to him, because he has no problems with it. What is the title of this strategy? Various jurisprudential rules in the strategic proposition of Imam Khomeini (may God rest his soul) Peramon, external and internal policy, the impact of the situation, the rule of peace, the rule of peace. Imam Khomeini (may God rest his soul) peace be upon him and his family Yes, I have priority over reconciliation, and where I have priority is that it is hidden under the guise of all the rules of jurisprudence that can be verified without any doubt. In this present day, we are talking about different historical facts and a complex approach, such as description, analysis and deduction, of the religious strategy of Imam Khomeini (may God rest his soul) in contrast to the Eyalat monk. United States of America in Canada. There are also other rules that end the connection between these principles and the principle of peace, which is enough for a person and a person who is completely separated from the rules of related jurisprudence, as a result of which he is outside of the foundation.

* Corresponding author: E-mail address: hamedanee@gmail.com

DOI: <https://doi.org/10.22034/rtmr.2023.710172>

Received: 2023/6/6 ; Received in revised form: 2023/7/11; Accepted: 2024/8/1

Article type: scientific research paper

©Author



استراتژی دینی امام خمینی (ره) در مواجهه با ایالات متحده آمریکا در عصر سلطنت پهلوی دوم

محمدعلی همدانی

دکتری انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، قم، اورن hamedanee@gmail.com

چکیده	واژگان کلیدی
استراتژی مبارزه امام خمینی (ره) الگوهای مختلفی از فقدان مقابله با سلطنت در سال ۱۳۲۲ تا حرمت تقیه در سال ۱۳۴۲ را در بر می‌گیرد. نگارنده بر این باور است که تفاوت این دو رویکرد را می‌بایست در مبانی دینی راهبرد امام خمینی (ره) جستجو کرد. از این رو سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که مبانی دینی استراتژی امام خمینی (ره) در برابر ایالات متحده در عصر پهلوی دوم کدام است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که قواعد فقهی مختلفی در طرح‌ریزی استراتژی امام خمینی (ره) پیرامون سیاست خارجی و داخلی تأثیرگذار است که یکی از آنها، قاعده نه جنگ و نه صلح، بلکه اولویت با صلح است و این اولویت تنها در کنار سایر قواعد فقهی تحقق پیدا می‌کند. با این توضیح نگارنده می‌کوشد تا با بهره‌گیری از وقایع تاریخی و با روش مرکب از توصیف، تحلیل و گاه استنباط، استراتژی دینی امام خمینی (ره) در مقابل با راهبردهای ایالات متحده آمریکا را بررسی کند.	اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) راهبرد دینی امام خمینی (ره) قاعده صلح فقه سیاسی فقه روابط بین‌الملل سیاست خارجی امریکا سیاست خارجی ایران
	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۱۶
	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۴/۲۰
	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۱۰

مقدمه

بازخوانی راهبرد امام خمینی (ره) در برابر استبداد و استعمار عصر پهلوی این سؤال را ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که آیا ایشان از راهبرد واحدی در برابر دشمن استفاده می‌کرده یا خیر؟ اهمیت پاسخ به این پرسش از آن جهت است که برخی منتقدین و مخالفین ایشان، حضرت امام را فاقد یک راهبرد اساسی در برابر استبداد پهلوی و استعمار آمریکا می‌دانستند که گاهی به دنبال صلح بود؛ به گونه‌ای در برخی منابع همچون کشف اسرار (که در سال ۱۳۲۲ به نگارش درآمد) بیان می‌دارد که: «مجتهدین هیچ‌وقت با نظام مملکت و با استقلال ممالک اسلامی مخالفت نکرده‌اند، فرضاً که این قوانین را برخلاف دستورات خدایی بدانند و حکومت را جائزانه تشخیص دهند باز مخالفت با آن نکرده و نمی‌کنند زیرا که این نظام پوسیده را باز بهتر می‌دانند از نبودنش» (امام خمینی، ۱۳۲۷، ص ۱۸۶) امام در ۱۳ فروردین ۱۳۴۲ در برابر مستکبرین داخلی و خارجی موضع گرفته و خطاب به علما بیان می‌دارند که «حضرات آقایان توجه دارند اصول اسلام در معرض خطر است. قرآن و مذهب در مخاطره

است. با این احتمال، تقیه حرام است؛ و اظهار حقایق، واجب «وَلَوْ بَلَّغَ مَا بَلَّغَ» (صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۷۸) نگارنده بر این باور است که برای پاسخ به این شبهه، می‌بایست مبانی دینی استراتژی امام خمینی (ره) در برابر دشمن را مورد توجه قرار دارد.

با این بیان سؤالی اصلی پژوهش آن است که مبانی دینی راهبرد امام خمینی (ره) در برابر ایالات متحده در عصر پهلوی دوم چیست؟ به بیان دیگر، هنگامی که به قواعد حاکم بر فقه مراجعه می‌شود، در مواجهه با دشمن، اصالت با جنگ است یا صلح؟ فرضیه پژوهش آن است که پاسخ این پرسش را باید در فقه جواهر و توجه به دو عنصر زمان و مکان جستجو کرد.

برای رسیدن به این مهم، نخست واژه راهبرد تعریف و سپس به تبیین عنصر زمان و مکان در نگاه فقهی امام پرداخته می‌شود. واژه استراتژی به معنای طرح یا روشی برای رسیدن به هدف تعریف شده است؛ که البته این امر منحصر به ابعاد نظامی نیست (ازغندی، روشندل، ۱۳۹۱، ص ۵) استراتژی در اصطلاح عبارت است از یک برنامه عملی که به موجب آن، شیوه تخصیص منابع و فعالیت‌های سازمان و موسسه در رابطه با محیط و درراه نیل به هدف‌های تعیین می‌گردد. (Daft, 1995, p47) با این توضیح استراتژی هر رهبری نیز «راهبرد، روش یا سیاستی کلی برای دستیابی به اهداف معین است» (فرنج، ساورد، ۱۳۷۱، ص ۶۰۲) به تعبیر دیگر، استراتژی «دانش بقاء» است که فراتر از ابعاد صرفاً نظامی قرار می‌گیرد و اندیشمندان، معادل این واژه در مبانی دینی را در «فقه» جستجو می‌کنند. یکی از موضوعات مطرح در فقه، قواعد فقهی است که اصطلاح عبارت است از اصلی کلی که به وسیله ادله شرعیه ثابت شده و خود (بدون واسطه) بر مصادیقش منطبق می‌شود، همانند انطباق کلی طبیعی بر مصادیقش. (مصطفوی، ۱۴۲۱، ص ۹) و در اصطلاح عبارت است از: اصول و مفاهیم کلی فقه سیاسی که با ادله شرعی ثابت شده و چارچوب مباحث آن علم، قرار گرفته. (شریعتی، ۱۳۸۷، ص ۳۰)

یکی از قواعد پرکاربرد در فقه روابط بین‌الملل قاعده صلح است. برقراری صلح و اصل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز از آرزوهای دیرینه بشر به شمار می‌رود و جنگ و خون‌ریزی ذاتاً عملی ناپسند است که گاه به دلایل خداپسندانه و بشردوستانه و برای مقابله با آن مجاز شمرده می‌شود. از آنجاکه سیاست خارجی یکی از بخش‌های مهم فقه سیاسی است و اصل یا قاعده صلح نیز مهم‌ترین قاعده در این عرصه می‌باشد. (شریعتی، ۱۳۸۷، ص ۳۸۹)

در عرصه فقه روابط بین‌الملل، قواعد متعددی وجود دارد که در طرح‌ریزی استراتژی یک فقیه، هر قاعده در زمان و مکان خاص خود، مورد استفاده قرار می‌گیرد. نکته که باید به آن توجه کرد آن است که هر کدام از این قواعد می‌بایست در جایگاه خود و در تعامل با سایر اصول مورد بررسی قرار گیرد. به بیان دیگر و برای مثال، اگر راهبردهای امام خمینی (ره) در عرصه سیاست خارجی مورد کنکاش قرار گیرد، شاهد آن هستیم که در بین قواعد بیان شده، «قاعده دعوت» اصل حاکم بر تمامی کنش‌های ایشان را تشکیل می‌دهد؛ اما این بدان معنا نیست که اصالت با اصل دعوت باشد بلکه به معنای اولویت اصل دعوت نسب به سایر اصول و راهبردها است؛ بنابراین، اصل صلح نیز همانند سایر اصول و قواعد فقهی می‌بایست در جایگاه زمانی و مکانی خود مورد بررسی قرار گیرد.

آنچه در پژوهش پیش رو شاهد آن هستیم، این است که در وقایع و تحولات مهم خارجی و داخلی به هر نقطه عطف تاریخی که می‌نگریم و مواضع امام را در برابر آن مشاهده می‌کنیم، امام خمینی با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی هر جا که ورد کردند، دقیق‌ترین موضوع را اتخاذ کردند؛ بنابراین برای فهم و درک کنش‌های ایشان می‌بایست امام را به عنوان یک استراتژیست مورد مطالعه قرار داد.

در این پژوهش نگارنده می‌کوشد تا با بهره‌گیری از وقایع تاریخی و با روش مرکب از توصیف، تحلیلی و گاه استنباط، استراتژی دینی امام خمینی (ره) در مقابل با راهبردهای ایالات متحده آمریکا را بررسی کند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نه «اصل صلح» اصالت دارد و نه «اصل جنگ» بلکه آنچه مورد تأیید قرار می‌گیرد آن است که در تعاملات سیاست

خارجی و داخلی اولویت به «اصل صلح» است و در مواردی که دشمن تاندان مسلح است و صلح را بهانه‌ای برای تجهیز قوا قرار داده است، کاربرد این قاعده در کنش سیاسی، امری نابجا و نابخردانه است.

با توجه به مفروضات حاکم بر پژوهش، هدف نگارنده آن است که با بهره‌گیری از وقایع تاریخی در عصر پهلوی دوم که عمدتاً متأثر از دکترین حاکم بر سیاست خارجی ایالات متحده بود، پاسخ به سؤال اصلی پژوهش پیش روی مخاطب قرار گیرد. در واکاوی حوادث مطرح‌شده، ضروری به نظر می‌رسد که سایر اصول و قواعد فقه سیاسی حاکم بر اندیشه امام موردبررسی قرار گیرد که این مهم خود بررسی مجزا می‌طلبد که حوصله این پژوهش خارج است.

ابعاد تفکر استراتژیک امام خمینی (ره)

تمامی رهبران بزرگ دنیا دارای برنامه‌های استراتژیک هستند و از این طریق نیل به اهدافشان تسهیل می‌گردد. امام خمینی (ره) نیز دارای برنامه استراتژیک در نهضت اسلامی ایران و پس‌از آن بود؛ چراکه زمانی در بستر اجتماع مردم مسلمان ایران، در اثر تشخیص و تحلیل مسائل اساسی، به بنیان انقلابی دست زدند که آثار خود را در دهه‌های بعدی نمایان ساخت. تجزیه و تحلیل مسائل، درک موضوع‌های اساسی، سپس انعطاف و نرمش در تفکرهای علمی، خلاقیت و ابتکار از جمله ویژگی‌های رهبری استراتژیک ایشان محسوب می‌گردد. (شفیعی، ۱۳۸۵، ص ۲۶)

نگارنده عمیقاً بر این باور است که برای شناخت امام خمینی (ره) می‌بایست ایشان را با عنوان یک استراتژیست بزرگ مورد مطالعه قرار داد. اگر امام را با دید یک استراتژیست مورد مطالعه قرار دهیم، ایده‌ها و راهبردهای ایشان در تصمیم‌گیری حساس و تاریخی، روشن‌تر از گذشته نمایان می‌شود. هوشمندی و فراست امام خمینی (ره) در تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها و در مدیریت بحران‌های ملی و منطقه‌ای و تحول آن به عناصر قوام‌بخش ملی و اسلامی، ویژگی خاص رهبری چون او بود و کمتر کسی در تاریخ ایران چنین نیرومندی شگرفی را در ید قدرت مادی و سیاسی و یا فرهی خود داشته است. هوشمندی سیاسی به همراهی دریافت‌های عمیق از علوم مختلف و دریافتی استراتژیک و درعین حال و آگاهانه، به همراه توان بهره‌مندی از ظرفیت ارتباط مستقیم با مردم و قدرت برانگیزش تعقل توحیدی و احساسات اجتماعی به همراه شورآفرینی معنوی و عرفانی، پدیده‌ای شگرف از رهبری در جامعه ایران و جهان سیاست را به یادگار گذاشت؛ بنابراین هر گفتگو، مصاحبه و کنش امام خمینی (ره) در عصر داغ انقلاب اسلامی را مورد واکاوی قرار دهید، عمق استراتژی ایشان را مشاهده می‌کنید که با هوشمندی تمام به اهداف خویش و ملت خود دست پیدا می‌کند و دشمن نیز از درک راهبرد ایشان عاجز می‌ماند، موضوعی که هامیلتون جردن، رئیس وقت کاخ سفید در دوران ریاست جمهوری کارتر و در کتاب «بحران، سال آخر ریاست جمهوری کارتر» بارها به آن اشاره می‌کند. (جردن، ۱۳۶۴)

هنگامی که به سخنان امام خمینی (ره) مراجعه می‌کنیم هموار تأکید ایشان بر اصل صلح و مخالفت با جنگ در سیاست داخلی و خارجی را مشاهده می‌نماییم. به عنوان نمونه ایشان می‌فرمایند: ما به تبع اسلام همیشه با جنگ مخالفیم و میل داریم بین همه کشورها آرامش و صلح باشد (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۶) اسلام می‌خواهد که همه در آرامش باشند، همه در صلح باشند (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۴۲-۲۴۷) ملت شریف ما... بر اساس تعلیمات اسلامی، صلح‌جو و عدالت‌خواه است... و ما میل داریم که بین همه کشورها آرامش و صلح باشد (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۱۰-۱۱۶) ما می‌خواهیم تمام بشر در صلح زندگی کند (صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۸۸) همچنین امام خمینی (ره) بر حاکمیت اصل صلح، نه فقط در ایران اسلامی بلکه در تمام ملت‌های مسلمان تأکید می‌کنند و می‌فرمایند: ملت‌های اسلامی... صلح‌جویی و زندگی مسالمت‌آمیز را با تمام دولت‌ها و ملت‌ها طالب می‌باشند. (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۵-۵۰) از سوی دیگر امام راحل، قطع روابط کشور اسلامی با کشورهای غیرمسلمان

را نیز خلاف عقل معرفی می‌کنند. (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۷۳) اما تجارب تاریخی و سیره ایشان حاکی از آن است که این تأکید به معنای اصالت صلح نیست بلکه اولویت به صلح را به نمایش می‌گذارد.

با توجه به آنچه تاکنون بیان، قاعده صلح به‌عنوان یک اصل محور در سیاست خارجی و داخلی مدنظر قرار گرفته می‌شود. در ادامه تلاش می‌شود تا با واکاوی استراتژی ایالات متحده در برابر ایران عصر پهلوی دوم، رویکرد امام خمینی (ره) و ضد استراتژی ایشان علیه آمریکا و رژیم دست‌نشانده او در ایران مورد بررسی قرار گیرد.

پیرامون راهبرد آمریکا در عصر پهلوی دوم باید گفت که محمدرضا از همان نخستین روزهای حکومتش تلاش کرده بود به شیوه‌های مختلف نظر آمریکایی‌ها را به‌سوی خود جلب کند و نطفه این مهم از همان دوران اشغال ایران در دهه ۱۳۲۰ شکل گرفت. وی در این زمان تلاش کرد از طریق نزدیک شدن به جرج آلن، سفیر آمریکا در ایران، قدرت خود را مقابل احمد قوام افزایش دهد. (بیل، ۱۳۷۱، ص ۵۳-۵۵)

در بین نیروهای آمریکایی گروهی که بیشتر توجه او را به خود جلب کرده بود، جمهوری خواهان بودند. اگر دموکرات‌ها را نماینده اصلاحات ساختار اجتماعی و خدمات اجتماعی در نظر بگیریم، جمهوری خواهان به‌عنوان نماینده فروشندگان اسلحه مدنظر قرار می‌گیرند. از این‌رو ترس محمدرضا پهلوی از وقوع جنگ با کشور چون روسیه او ترغیب می‌کرد که برای تهیه اسلحه با جمهور خواهان ارتباط بگیرد. (نهادی، ۱۳۹۳، ص ۵۶۰) اوج این روابط را باید در زمان نیکسون و جerald فورد جمهوری خواه و در پس سیاست دوستونی نیکسون جستجو کرد که از آن‌پس ایران به‌عنوان ژاندارم منطقه در نظر گرفته شد؛ اما در نهایت سیاست دوگانه (خشونت و صلح) کارتر دموکرات در برابر انقلاب اسلامی نشان داد که هر دو جناح جمهوری خواه و دموکرات، در برابر خشونت دیکتاتورهای علیه ملت خود، ساکت هستند، چه آنکه کشتار پانزده خرداد نیز در زمان کندی دموکرات اتفاق افتاد و مورد حمایت او نیز قرار گرفت.

بنابراین ترومن، آیزنهاور، کندی، جانسون، نیکسون، فورد و کارتر، هفت رئیس‌جمهوری بودند که دکتترین آن‌ها نقش محوری در راهبردهای پهلوی دوم داشت و امام خمینی (ره) با آگاهی از این موضوع، در عرصه مبارزاتی خود توانستند، با شناخت دقیق از رژیم پهلوی و با بهره‌گیری از راهبردی هوشمندانه، ابتدا نقطه ثقل سیستم را نشانه بگیرد و پس از آن، دست‌نشاندهان آمریکا را از کشور خارج کند. در ادامه تلاش می‌شود تا با نگاهی گذرا به راهبردهای ایالات متحده در عصر پهلوی دوم و تأثیر آن‌ها در ایران، در کنار استراتژی و ضد استراتژی امام خمینی (ره) در این دوران بررسی گردد.

راهبرد امام خمینی (ره) در برابر دکتترین ترومن

ترومن (دموکرات)، (۱۳۲۴-۱۳۳۱) «دکتترین سد نفوذ» را برای مقابله با تهدیدهای شوروی و جلوگیری از توسعه نفوذ آن کشور ارائه کرد. بر اساس این دکتترین، کشورهایی که در معرض خطر کمونیسم قرار داشتند، از حمایت و کمک آمریکا و غرب بهره‌مند می‌شدند. (ساجدی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱)

در دکتترین جدید آمریکا، به جلوگیری از کمونیست و دفاع از کشورهای آزاد اذعان شد. از این رهگذر، آمریکا قصد داشت با کمک ۴۰۰ میلیون دلاری و اعزام مستشاران نظامی به یونان و ترکیه به تقویت و ثبات این رژیم‌ها کمک کند و سدی در برابر شوروی بنا نماید. (مهدوی، ۱۳۷۴، ص ۱۴۲-۱۴۳)

این طرح که اولین طرح، از سلسله کمک‌های آمریکا بود به «طرح مارشال» معروف است که به‌وسیله «جورج مارشال»، وزیر خارجه جدید آمریکا در دستور کار قرار گرفت. (فونتن، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۴۲۳) پس از کناره‌گیری مارشال این وظیفه به «دین آچسن» منتقل گشت که در برابر کنگره برای متقاعد کردن آن اظهار داشت: «این سیاست جدید آمریکا مستلزم حمایت از منافع کشور در خارج از مرزها است تا با تهدید کمونیسم بین‌المللی مقابله شود». (بلیک، ۱۳۹۴، ص ۴۷) ایران نیز از جمله کشورهای مهم نفت‌خیز به شمار می‌رفت که در همسایگی اتحاد جماهیر شوروی قرار داشت؛ و به همین

منظور در کنار یونان و ترکیه، نام ایران نیز در فهرست دریافت‌کنندگان کمک‌های مالی بر مبنای اصل چهارم ترومن قرار گرفت و در مجموع کنگره آمریکا، مبلغ ۱۳۱ میلیون دلار برای کمک‌های نظامی به این سه کشور در نظر گرفت. (ازغندی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۰)

یکی از اهداف دیگری که از اجرای اصل چهارم ترومن دنبال می‌گردید بحث ایجاد یک بازار مطلوب برای کالاهای ساخت آمریکا بود و این مسئله بدون بهبود وضعیت اقتصادی ایران امکان‌پذیر نبود. (گرانوفسکی، ۱۳۵۹، ص ۵۱۲-۵۱۳) در چهارچوب اجرای این اصل اهداف سیاسی دیگری نیز دنبال می‌شد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها شامل ایجاد و تربیت یک نسل طرفدار آمریکا در میان سیاسیون و مدیران اجرایی ایرانی و حتی نظامیان ایران بود. این نسل سیاستمداران تا انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ در سیاست و اقتصاد ایران حضور داشته و دارای قدرت و نفوذ بسیاری بودند. (کرباسیان، ۱۳۷۸، ۶۹) اما درنهایت باید گفت که اصل چهارم، نتیجه‌ای جز تشدید استبداد داخلی از طریق دولت دست‌نشانده آمریکایی و درنهایت وابستگی اقتصادی برای ایران به همراه نیاورد.

این دوران مصادف با مرجعیت آیت‌الله بروجردی و امام خمینی (ره) در این زمان تأکید فراوانی بر پیروی و حمایت از ایشان داشتند. آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی در خاطرات خود حساسیت امام نسبت به شخصیت آیت‌الله بروجردی و لزوم تبعیت از ایشان را این‌چنین نقل می‌کند: «حضرت امام اعتقادش این بود که پرچم اسلام بر دوش آقای بروجردی است و لذا هیچ کاری که علامت نوعی خودمحوری و جلو افتادن باشد، از حضرت امام مشاهده نشد.» (احمدی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۹۸-۹۹)

یکی از اصولی که در تفکر راهبردی امام باید موردتوجه قرار گیرد توجه به اصل تکلیف و هم‌چنین عمل به‌قدر مقدور است. در این دوران که حرکت خویش محوری امام منجر به تضعیف مرجعیت می‌شد، فعالیت امام خمینی (ره) بر تربیت شاگردان و مبارزه فرهنگی استوار بود. درزمینهٔ مبارزه در عرصه فرهنگی، در دستور کار امام خمینی قرار می‌گیرد که به‌عنوان نمونه می‌توان به‌مواجهه ایشان با کتاب اسرار هزارساله حکمی زاده اشاره کرد که گویایی توجه امام با قاعده تکلیف است. (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۵۹)

راهبرد امام خمینی (ره) در برابر دکترین آیزنهاور

ژنرال «آیزنهاور» (۱۳۳۱ - ۱۳۳۹) (حزب جمهوری‌خواه)، در آستانه دومین دوره ریاست جمهوری خود لایحه‌ای به کنگره آمریکا پیشنهاد کرد که به «دکترین آیزنهاور» معروف شد. (مهدوی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۴) که بند جیم آن بر گسترش و نفوذ سلطه آمریکا در کشورهای هم‌جوار شوروی اشاره داشت. (ملک محمدی، ۱۳۸۵، ص ۸۸) نگرانی آیزنهاور از خطر کمونیسم و اشتیاق آمریکا بر اساس دکترین او به دستیابی بیشتر بر منابع انرژی و گسترش سلطه بر کشورهای جهان سوم سه عامل بودند که آمریکا را به‌سوی اتخاذ سیاست مداخله مستقیم در ایران علیه «نهیض ملی شدن صنعت نفت» در کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ سوق داد (واعظی، بی‌تا، ص ۶۵)

پس از طرح دکترین آیزنهاور، پیمان‌های ناتو، سنتو و سیتو تشکیل گردید. هم‌چنین سازمان‌های مخوف امنیتی و جاسوسی در کشورهای زیر سلطه (مانند ساواک در ایران) تاسیس شد. به بیان جیمز بیل، نویسنده کتاب شیر و عقاب، کودتای ۲۸ مرداد منجر به این شد که دهه ۱۹۵۰ دهه زوال اعتماد ایرانیان با آمریکا شود (بیل، ۱۳۷۱، ص ۱۷۸)

نتیجه دکترین آیزنهاور برای ایران، کودتا علیه دولت مردمی دکتر مصدق بود که درنهایت به قدرتمند شدن دیکتاتوری محمدرضا پهلوی و گسترش سلطه آمریکا بر ایران شد. امام خمینی (ره) ضمن معرفی آمریکا به‌عنوان عامل اصلی واقعه، روی کرد مسالمت جویانه دکتر مصدق در برابر محمدرضا پهلوی و آمریکا را موردنقد قرار داده و فرمودند: «یکی از اشتباهات

(مصدق) این بود که آن وقتی که قدرت دستش آمد، این (محمدرضا شاه) را خفه‌اش نکرد که تمام کند قضیه را. این کاری برای او نداشت آن وقت، هیچ کاری برای او نداشت، برای اینکه ارتش دست او بود، همه قدرت‌ها دست او بود و این هم این ارزش نداشت آن وقت. آن وقت این طور نبود که این یک آدم قدرتمندی باشد، مثل بعد که شد. آن وقت ضعیف بود و زیر چنگال او بود.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۷۱)

از جمله مواردی بود که امام خمینی (ره) رویکرد صلح طلبانه و مسالمت جویانه مصدق را جایز نمی‌دانستند و به شکل کلی این رویکرد، نه تنها از ظلم و دیکتاتوری محمدرضا پهلوی نکاست، بلکه باعث شد تا به بیان ایشان «محمدرضا پهلوی» تبدیل به دیکتاتوری شبیه «رضاخان» شود؛ اما همان گونه که پیش از این بیان شد، با توجه به تأکید امام در تبعیت از آیت‌الله بروجردی، امام فعالیت مستقلی انجام نداد. رحلت آیت‌الله بروجردی در فروردین ۱۳۴۰ و درگذشت آیت‌الله کاشانی در اسفند همان سال، زمینه بسط قدرت محمدرضا پهلوی را فراهم آورد. از این رو محمدرضا پیام تسلیت آیت‌الله بروجردی را خطاب به آیت‌الله حکیم در عراق صادر کرد تا مرجعیت شیعه را از ایران خارج کند.

راهبرد امام خمینی (ره) در برابر دکتترین کندی

کندی دموکرات (۱۳۳۹ - ۱۳۴۲) برخلاف آیزنهاور، نظامی‌گری را محور برنامه‌های خود قرار نداد، بلکه او از فضای باز سیاسی، حقوق بشر، اصلاحات اقتصادی و مقابله با دیکتاتورها دم می‌زد. وی معتقد بود که باید رژیم‌های دیکتاتور را به اجرای اصلاحات اقتصادی و اجتماعی در کشورهای خودشان وادار و از این طریق از نفوذ کمونیسم جلوگیری کنیم. در ایران نیز به تبعیت از دکتترین کندی، این شعارها مطرح شد. علی‌امینی، سفیر وقت ایران در واشنگتن، با حمایت آمریکا، نخست‌وزیر ایران شد. شاه در ابتدا موافقت چندانی با سیاست‌های اصلاح طلبانه دموکرات‌ها نداشت اما در سفری به واشنگتن ضمن کسب حمایت دولت جدید آمریکا و اطمینان از موقعیت خود، قول پشتیبانی کامل از اصلاحات ارضی را به «کندی» داد. (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۲۶۹)

با این حال نتایج اصلاحات ارضی نه تنها موقعیت کشاورزی ایران را بهبود نبخشید بلکه به گفته بسیاری از صاحب‌نظران و حتی کارشناسان غربی، این حوزه مهم اقتصادی را به ضعف و زوال نزدیک کرد. رویکرد کشاورزی مورد حمایت آمریکا اگرچه تعداد روستاییان صاحب زمین را ظاهراً افزایش داد اما زمین کافی در اختیار آنان قرار داده نشد تا بتوانند کشاورزی خوداتکا بشوند. (آبراهامیان، ۱۳۷۸، ص ۳۹۲) سطح زندگی اکثریت جمعیت روستایی بهتر نشد و به بدی سابق ماند و اگر مزیتی هم به دست آمد، در مقایسه با مزایای جمعیت شهرنشین بسیار کم بود. (فوران، ۱۳۸۲، ص ۴۷۷)

«نیکی کدی» هم معتقد است اگرچه تعدادی از کشاورزان صاحب زمین شده، از امکاناتی نظیر چاه عمیق و موتورپمپ برخوردار شدند اما این کار پس از چند سال سطح آب زیرزمینی را کاهش داد و برخی مناطق قابل کشت را غیرقابل کشت کرد. ضمن اینکه شیوه‌های سنتی اما مفیدی همچون احداث و احیای قنات هم با بی‌اعتنایی دولت مواجه شد. کنترل قیمت محصولات توسط دولت هم بیشتر به نفع شهرنشینان بود. حتی دولت به نوعی به کشاورزان خارجی و نه ایرانی سوبسید می‌داد. چراکه مثلاً گندم آن‌ها را به قیمت بین‌المللی می‌خرید. در مجموع طبقه کشاورز برخلاف تبلیغات صورت گرفته مورد توجه و حمایت جدی دولت نبود. (موثقی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۱) این در حالی بود که پیشرفت صنایع سنگین و بنیادی نه مورد حمایت دولت آمریکا قرار داشت و نه در اولویت‌های شاه بود. در سال‌های دهه ۱۳۴۰ و ۵۰ بخش صنعتی جدید از نظر سرمایه، تکنولوژی، مدیریت و فرآورده تا حد زیادی به مشارکت خارجی‌ان وابسته بود. صنایع کلیدی اتومبیل و لوازم برقی اساساً «آچاری» بودند یعنی اکثر قطعات و اجزا از خارج می‌آمد و در داخل کار چندانی جز بر روی هم سوار کردن قطعات و افزودن اجزاء ناچیز صورت نمی‌گرفت. (فوران، ۱۳۸۲، ص ۴۸۶)

در این دوره اصلاحات ارضی آغاز گردید و برای ایجاد فضای باز سیاسی تلاش‌های صورت گرفت. شاه به خاطر اطاعت کامل علی‌امینی از امریکا و حمایت آن قدرت از وی نگران بود با اجازه امریکا او را برکنار کرد. پس از آن امینی برکنار و اسدالله علم به جای وی برگزیده شد. پس از اصلاحات ارضی، مسئله انجمن‌های ایالتی و ولایتی یکی از مباحث جنجال‌برانگیز بود. هنگامی علم تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را مطرح کرد، با مخالفت امام خمینی و سایر مراجع و نیروهای مذهبی مواجه شد که در نهایت شکست خورد. در این زمان شاه، خود پرچمدار انقلاب سفید شد. او در بهمن ۱۳۴۱ اصول انقلاب سفید را مطرح کرد و به همه‌پرسی گذاشت.

از جمله راهبردهای عمیق و محوری امام خمینی (ره)، موضع‌گیری ایشان در برابر اصلاحات ارضی است. بر مبنای دکترین کندی قرار بود تا سیاست اصلاحات ارضی در ایران پیاده شود. آمریکایی‌ها تلاش کردند تا به وسیله علی‌امینی این راهبرد را در ایران اجرا کنند. راهبردی که باعث می‌شد سرمایه‌های موجود در بخش تولید اقتصادی در ایران از هم بپاشد و به سمت اقتصاد دلالی پیش برود و رفتن این سرمایه‌ها به سمت اقتصاد دلالی و زندگی شهرنشینی و به تبع آن زندگی مصرفی، فرصت‌های جدیدی را برای سرمایه‌داری جهانی ایجاد می‌کرد که بتواند سرمایه‌های موجود در داخل کشور را جذب کند. در این راستا امام خمینی (ره) راهبرد دیگری را به دولت پیشنهاد می‌کند. در یک ملاقاتی که علی‌امینی در قم با مراجع و حضرت امام خمینی (ره) دارد، امام به صراحت به علی‌امینی می‌گوید به جایی اینکه شما زمین‌های موجود را تقسیم کنید، ما به شما با استفاده از فتوای شرعی اجازه می‌دهیم که زمین‌هایی قابل کشت که زراعت نشده را بین کشاورزان تقسیم کنید؛ یعنی به جای اینکه زراعت موجود را تبدیل به مجموعه‌ای متفرق و از هم پاشیده کنید تا اقتصاد کشاورزی از هم بپاشد، بیاپید مزارع و زمین‌های جدید را به کشاورزان بدهید. این کار فواید متعددی داشت، نخست اینکه با این کار یک قدرت اقتصادی جدید ایجاد می‌شد، دوم اینکه آن بخش اقتصادی که در عرصه کشاورزی و تولیدات سرمایه‌ای فعال بود، ملزم می‌شد تا امتیازات بیشتری به کشاورزان بدهد و این یعنی ایران از ساختار ارباب‌رعیتی خارج می‌شد. علی‌امینی پس از شنیدن راهبرد امام خمینی (ره) و بعد از بازگشت به تهران، به شاه گفت: «مواظب این سید باشید! من با آقاتکیان مراجع ملاقات کردم، اما آقای خمینی با بقیه تفاوت اساسی دارد» (توکلی، ۱۳۹۲، ص ۳۵).

امام خمینی (ره) اعلامیه‌ای مبنی بر تحریم رفراوندوم صادر کرد که در تهران و شهرستان‌ها منتشر گردید و موج مردم به حرکت درآمد و فریاد «رفراوندوم قلابی مخالف اسلام است» بلند شد، بازار تعطیل شد و جمعی به منزل آیت‌الله خوانساری رفتند و سیل جمعیت از همه نقاط تران در بوذرجمهری و سه‌راه سیروس اجتماع کردند. مسافرت ۴ بهمن شاه به قم با مخالفت یکپارچه مردم مواجه شد. گروهی از مردم در سوم بهمن با شعار «ما تابع قرآنیم، رفراوندوم نمی‌خواهیم» و «اسلام پیروز است، استبداد محکوم است» به راهپیمایی پرداختند. در نهایت رفراوندوم انجام شد و کندی بلافاصله این پیروزی را به شاه تبریک گفت (مدنی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۵-۲۰).

با فرارسیدن عین نورز ۱۳۴۲ امام خمینی مقدمات را فراهم می‌ساخت تا ضربه محکمی به اقدام شاه که آن را اقدام امریکا می‌شناخت وارد سازد. از این اعلامیه معروف «روحانیت امسال عید ندارد» با عبارت تند علیه رژیم و امریکا صادر شد. امام خمینی (ره) در این اعلامیه به طور مشخص امریکا را مورد هجوم قرار می‌دهد و از همان ابتدا شاه را بازیچه دست امریکا در نظر می‌گیرد و بنا می‌دارد: «ما باید بنه نفع یهود امریکا و فلسطین هتک شویم، به زندان برویم، معدوم گردیم فدای اغراض شوم اجانب شویم» امام خمینی (ره) در همین دوران خطر انقلاب را به محمدرضا گوش زد می‌کند و بیان می‌دارد «من به دستگاه جابره اعلام خطر می‌کنم من به خدای تعالی از انقلاب سیاه و انقلاب از پائین نگران هستم، دستگاه‌ها گویی با سوء تدبیر و با سوءنیت گویی مقدمات آن را فراهم می‌کنند» (مدنی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۵).

در ۱۳ فروردین ۱۳۴۲ و در پی حمله رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه به منظور سرکوب کردن مقاومت و ایجاد ترس در دل مردم مبنی بر شبیه سازی این تهاجم به حمله رضاشاه به مسجد گوهرشاد و بازگشت عصر دیکتاتوری رضاشاه، پیام تاریخی حضرت امام مبنی بر حرام بودن «تقیه» تغییر راهبرد مبارزه روحانیت و مردم علیه شاه و آمریکا به نمایش می گذارد. در این پیام علاوه بر اینکه تقیه را حرام و اظهار حقایق را واجب اعلام می کند، شعار شاه دوستی را به معنای غارتگری معرفی می کند که این موضوع نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. (صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۷۷).

در روز عاشورای همان سال، مردمی که در جریان مبارز امام با طرح آمریکایی شاه بودند با در دست داشتن عکس آیت الله خمینی و با شعار «خمینی خدانگه دار تو، ملت طرفدار تو» به خیابان های تهران ریختند و در بعد ظهر همان روز دانشجویان دانشگاه تهران در حمایت از رهبری آیت الله خمینی شعار «خمینی پیروز است» سر دادند. سخنرانی امام خمینی در عاشورای قم، تاریخی و سرنوشت ساز بود و به واقع اگر حمایت های همه جانبه خارجی از رژیم نبود و ارتش به اهداف امام واقف شده بود سقوط سلطنت در همان روز حتمی بود. (مدنی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۳).

نیمه شب پانزده خرداد امام بازداشت می شود و فردای آن روز خبر دستگیری به سرعت در سراسر ایران انتشار می یابد. قیام بزرگی صورت می گیرد که به خاطر فقدان سازمان دهی با سرکوب رژیم خاموش می شود. رژیم حاکم تصور داشت با تلفات سنگین ۱۵ خرداد دیگر کسی رأی ایری مقاومت و اعتصاب و اعتراض نیست اما این کشتار خود به خود باعث شد تا بسیار از افراد هم عقیده را به هم نزدیک کند و آن ها را به گروه بندی وادار نماید تا نظم و ترتیبی در کار پیدا کند. (مدنی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۷۵) امام خمینی با قیام ۱۵ خرداد وارد مبارزات سیاسی گشت و در سال ۱۳۵۷/۱۹۷۸ به عنوان رهبر بلامنازع به صحنه آمد و «به واسطه مخالفت آشتی ناپذیر با رژیم شاه، به تدریج به مهم ترین رهبر مخالف رژیم مبدل شد و هیچ تصمیمی جز برکناری شاه او را راضی نمی کرد». (سولیوان، پارسونز، ۱۳۷۲، ص ۴۵۲) تبعید امام در دهه ۴۰ موجب محبوبیت ایشان گردید و این محبوبیت «در فاصله سال های ۱۹۷۷-۱۹۷۸ (۱۳۵۶-۱۳۵۷ شمسی) افزایش یافت. (کدی، ۱۳۶۹، ص ۳۶۸)

موضوع محوری که از دوران کندی و جانسون رقم خورد، ورود به فاز جدید مبارزاتی با اعلام حرمت تقیه از سوی امام خمینی (ره) رقم خورد. امام در ۱۳ فروردین ۱۳۴۲ خطاب به علما بیان می دارند که «حضرات آقایان توجه دارند اصول اسلام در معرض خطر است. قرآن و مذهب در مخاطره است. با این احتمال، تقیه حرام است؛ و اظهار حقایق، واجب «وَلَوْ بَلَّغَ مَا بَلَّغَ»». (صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۷۸)

راهبرد امام خمینی (ره) در برابر دکتترین جانسون

لیندون جانسون (دموکرات) معاون جان اف کندی رئیس جمهور آمریکا بود که در پی قتل او در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۳ (۳۰ آبان ۱۳۴۲) به ریاست جمهوری آمریکا رسید و پس از پایان دوره ریاست جمهوری کندی در دور بعدی انتخابات پیروز شد و تا ۲۰ ژانویه ۱۹۶۹ (۳۰ دی ۱۳۴۷) رئیس جمهور آمریکا بود. دکتترین جانسون عمدتاً پیرامون کشورهای آمریکا لاتین بود که از سیاست محدود حمایت از کشورهای آمریکای لاتین که با انتخابات روی کار آمدند تبدیل شد به سیاست حمایت از همه حکومت های آمریکای لاتین که منافعشان با منافع واشنگتن سازگار تلقی می شد.

در این دوره، بیشتر برنامه های توسعه اقتصادی در ایران، با برنامه ریزی های مستشاران آمریکایی اجرا می شد. برنامه صادرات و واردات میان ایران و آمریکا در فاصله سال های ۱۳۴۸-۱۳۴۲ ش. / ۱۹۶۹-۱۹۶۳ م. مقارن با دوره ریاست جمهوری لیندون جانسون، به طور محسوسی رو به بهبودی نهاد در سال های پس از ۱۳۴۰ ش. استراتژی دولت شاه، ایجاد بازار مصرفی بزرگ در داخل کشور برای مصرف محصولات صنعتی کشورهای خارجی بود که به طور عمده بر منابع مالی حاصل از درآمدهای نفت اتکا داشت. گر چه برنامه کمک اقتصادی آمریکا و روابط مشابه دو کشور در زمینه های دیگر در میانه دهه ۱۳۴۰ ش. / ۱۹۶۰ م. پایان یا به نحو چشمگیری کاهش یافت، ولی پیوندهای میان دو کشور، همچنان نیرومند باقی مانده بود. آمریکا

می‌خواست پس از قطع کمک‌های بلاعوض خود به ایران، با اعطای وام‌های درازمدت و با سودهای مشخص، این کشور را همچنان زیر سلطه داشته باشد و بازار و جامعه ایران را برای واردات کالاهای خود آماده نگه دارد. (حیدری، نیازی نشاط، ۱۳۹۳، ص ۱۲۷)

مهم‌ترین اتفاقی که در این دوران رقم خورد موضوع کاپیتولاسیون در سال ۱۳۴۳ بود. طبق این قانون مستشار آمریکایی، همانند دیپلمات‌ها و اعضای سفارتخانه‌ها، به قرارداد بین‌المللی وین ملحق شده بودند که از شمول قوانین قضایی ایران معاف بودند. امتیازی که به مستشاران آمریکا داده می‌شد بیش از چیزی بود که بر طبق عهدنامه ترکمن چای به روس‌ها داده شده بود، دولت حسنعلی منصور از آن دفاع می‌کرد.

این اتفاق زمینه نطق تاریخی امام خمینی (ره) در چهارم آبان ۱۳۴۳ علیه آمریکا را فراهم می‌کند. در این سخنرانی تاریخی، امام خمینی (ره) با انتخاب یک استراتژی دقیق، پیکان حمله را به سمت آمریکا می‌گیرد و بیان می‌دارد آمریکا و انگلیس و شوری هرکدام از دیگری بدتراند اما امروز سروکار ما با آمریکا است. (صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۲۰) از این‌رو تأکید فراوانی بر استقلال کشور می‌کنند، استقلالی که در سال ۵۷ به‌عنوان یکی از سه شعار اصلی در کنار آزادی و جمهوری اسلامی بر سر زبان مرم جاری شد. نکته دیگر اینکه امام علاوه بر اینکه به عزت ایران و اسلام تأکید داشتند، این امر را حتی مخالف با عزت شاه ایران معرفی می‌کنند. از سوی دیگر مسئولین را به‌شخصه مدنظر قرار نمی‌دهند بلکه آن‌ها را عمال و نوکر آمریکا معرفی می‌کنند و درواقع گرانیگاه و نقطه ثقل مرکزی رژیم را مورد هجوم قرار می‌دهند. اتکای که از دوران ترومن شروع شده بود و اکنون در عصر جانشین به کاپیتولاسیون رسیده بود. (همان، ص ۴۵۲)

در پی این سخنرانی، امام خمینی (ره) دستگیر و سپس به ترکیه تبعید شد. در این دوران، نیروهای متشکل از هیئت موتلفه، طرح اعدام انقلابی نخست‌وزیر، حسنعلی منصور، مجری طرح کاپیتولاسیون را توسط شهید بخارانی اجرا کردند. منصور سومین نخست‌وزیری بود که در زمان خدمت و به جرم خیانت به قتل می‌رسد. پیش از او میرزاعلی اصغر خان اتابک در دومین سال مشروطیت و حاج علی رزم آرا در ۱۳۲۹ به قتل رسیده بود؛ اما نکته جالب اینجاست که نیروهای موتلفه نتوانستند از امام خمینی (ره) حکمی که نشان از رضایت به قتل حسنعلی منصور باشد را دریافت کنند و فتوای قتل منصور از جانب آیت‌الله میلانی صادر شد و توسط شاخه اجرایی هیئت موتلفه، عملی شد. این نیز حاکی از آن است که امام خمینی (ره) به‌هیچ‌وجه راضی به مبارزه مسلحانه علیه رژیم نبود. (توکلی، ۱۳۸۸، ص ۹۴)

بنابراین، در این دوران که دیگر راهبرد اصلاحی، پاسخگو نیست، تمرکز بر مقابله با اساس و پایه حکومت سلطنتی در دستور کار قرار می‌گیرد با این تفاوت که امام از مبارزه مسلحانه حمایت نمی‌کند و این شیوه را در هیچ‌کدام از طیف‌ها (مذهبی و چپ) مورد تأیید قرار نمی‌کند.

راهبرد امام خمینی (ره) در برابر دکترین نیکسون، فورد و کارتر

دوران تبعید امام خمینی (ره) هم‌زمان است با ریاست جمهوری نیکسون، فورد و کارتر در ایالات متحده آمریکا. ریچارد نیکسون جمهوری خواه (۱۳۴۷ تا ۱۳۵۳) در وضعیتی که آمریکا در گرداب جنگ ویتنام گرفتار شده بود، اعلام کرد: ما قصد داریم امنیت مناطق را به خود کشورها واگذار کنیم. این دکترین به «سیاست دو ستونی» در خلیج فارس و دریای عمان مشهور شد که ستون اصلی و نظامی آن ایران ستون مالی آن عربستان بود. بال نظامی آن ایران بود که بهترین مثال در این رابطه را می‌توان سرکوب جنبش ظفار در سال ۱۳۴۹ توسط محمدرضا ذکر نمود. در مقابل بال اقتصادی این سیاست ریاض بود که نمونه آن کمک مالی به گروه‌های چپ‌گرا همچون ساف و یمن جنوبی بود تا به این وسیله و با تطمیع مالی، آن‌ها را بخرد و به‌نوعی از هیجانات انقلابی آن‌ها بکاهد. (اخوان کاظمی، ۱۳۷۳، ص ۱۶)

پس از اعلام این سیاست، ایران علاوه بر خریدهای نظامی کلان، نیروهای دریایی و هوایی خود را تجهیز نمود و در سرکوبی جنبش‌ها به دیگر کشورهای منطقه کمک نظامی کرد (مهدوی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۵). سرانجام ایران به ژاندارم آمریکا در منطقه تبدیل شد. از طرفی این سیاست بر پایه مهم‌ترین اصل سیاست خارجی آمریکا، یعنی تقویت وابستگی ایران و سایر کشورهای منطقه، استوار بود. (ازغندی، ۱۳۷۶، ص ۳۳۶)

دوره دوم ریاست جمهوری نیکسون با رسوایی واترگیت روبرو شد و او را مجبور به استعفا کرد. پس از او «جرالد فورد»، معاون نیکسون به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا به قدرت رسید. دوره زمانی دوم ریاست جمهوری نیکسون را تا تاریخ (۳۰ دی ۱۳۵۵) در دست گرفت. استراتژی نیکسون و در ادامه جرالد فورد در قبال حکومت ایران، در وهله اول این بود که حکومت شاه را به یک ژاندارم و عامل تضمین‌کننده ثبات در منطقه خلیج فارس تبدیل کنند. (ترابی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۸-۲۵۹)

براساس آمار موجود، دوران ریاست جمهوری جرالد فورد نشان‌دهنده افزایش میزان روابط اقتصادی و نظامی ایران و آمریکا هماهنگ با طرح دکترین نیکسون - کسینجر است؛ به‌گونه‌ای که آمریکا در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ با صدور ۸۹ و ۱۵۸ میلیارد ریال کالا به ایران (که غالب آن نظامی بود) در جهت عملی ساختن این دکترین، مقام اول به‌عنوان شریک تجاری را در میان کشورهای عمده طرف بازرگانی ایران به دست آورد. روابط ایران و آمریکا در دوران ریاست جمهوری نیکسون و جرالد فورد، در مقطع زمانی (۱۳۴۷ تا ۱۳۵۵)، در تاریخ روابط دو کشور بی‌سابقه بود. (باری، ۱۳۶۳، ص ۱۵۵) بر اساس گزارشی در اواخر سال ۱۹۷۴م، تقریباً نیمی از صادرات اسلحه جهانی پنتاگون به ایران بود. (سمسون، ۱۳۶۲، ص ۲۸۵) نمونه‌ای از این قراردادهای شامل خرید سی هواپیمای اف ۱۶ از مک دانیل داگلاس و چهار ناوشکن از صنایع لیتون بود. (گراهام، ۱۳۵۹، ص ۱۲۳) در ادامه به ایران اجازه داده شد ۱۶۰ فروند جنگنده اف ۱۴ ساخت جنرال دینامیکس را بخرد. (شماغ زاده، ۱۳۶۷، ص ۲۹۴)

جیمی کارتر، دموکرات (۱۳۵۵ تا ۱۳۵۹) با شعار حقوق بشر و فضای باز سیاسی و محدود کردن فروش سلاح به دیکتاتوری‌ها وارد صحنه شد. جیمی کارتر مسئولیت ژاندارمی را از ایران سلب نمود، شاه با اظهار تعجب از این اقدام، عنوان نمود که از این تصمیم شوکه شده است. شاه در این باره گفته بود: «از روش کلی پریزدنت کارتر، در قبال خلیج فارس، یکه خورده است و از دکترین او تعجب کرده است که گفته است: آمریکا دیگر در منطقه به ژاندارم احتیاج ندارد». (الهی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۰)

دکترین کارتر فراتر از شعار انتخاباتی عمل نکرد و او در مقام عمل به این نتیجه رسید که سیاست راهبردی و نهادینه‌شده آمریکا، جایی برای شعارهای روشنفکرانه وی باقی نگذاشته است، به همین دلیل در پیامی که به‌وسیله سولیوان به شاه ارسال می‌نماید خواستار تعمیق روابط با ایران می‌گردد. به دنبال آن نیز در مدت کوتاهی از شاه در آمریکا پذیرایی می‌کند و سپس دو ماه بعد مشتاقانه به ایران سفر کرده و سخنان ستایش آمیزی نسبت به شاه بر زبان آورده و ایران را «جزیره ثبات در خاورمیانه» توصیف می‌کند. (نجاتی، ۱۳۹۷، ص ۵۸)

همراهی شاه در ایجاد فضای باز سیاسی و تخفیف حکم برخی از زندانیان و اعلام اخبار تظاهرات شهرهای مختلف بیشتر از آنکه حاصل فشار کارتر باشد، اقدامی برای ایجاد روابط صمیمانه با وی و تأمین نیازهای تسلیحاتی ایران برای رقابت با عراق و عربستان بود. عزل هویدا و انتصاب آموزگار متمایل به غرب پیش از آن نیز در زمان «کندی» و انتصاب علی امینی (۱۳۴۰) به مقام نخست‌وزیری مسبوق به سابقه بود. به این ترتیب هیچ‌گونه فشار جدی و مهمی از سوی کارتر برای کاستن از استبداد به شاه وارد نشد. (آبراهامیان، ۱۳۸۹، صص ۲۸۰-۲۸۱)

راهبرد دینی امام خمینی در عصر تبعید که مصادف با ریاست جمهوری نیکسون، فورد و کارتر است بر اساس یک طرح مبارزاتی مبانی و قدم به قدم این گونه است که در سال‌های ابتدای تبعید به تشریح نظریه ولایت فقیه در نجف و نگارش کتاب حکومت اسلامی می‌پردازد. از سوی دیگر در دوران اوج خرید تسلیحاتی شاه در عصر جرالد فورد، خریدهای نظامی محمدرضا

پهلوی را به باد انتقاد می‌گیرد و به هنگام انقلاب اسلامی در دوران کارتر، آمریکا به‌عنوان مرکز اصلی تمام مشکلات ایران معرفی می‌کند.

به‌بیان دیگر یکی از ویژگی‌ها فراست امام خمینی (ره) در اتخاذ استراتژی در انقلاب اسلامی ایران، تمرکز دقیق بر گرانیگاه و نقطه ثقل مرکزی دشمن در مبارزات بود. امام راحل، باهدف گرفتن آمریکا در طول مبارزات خود، نقطه کانونی سلطنت محمدرضا پهلوی را نشانه گرفته که پس از نابودی این نقطه، شاه و شاهک‌های سلطنت پهلوی دومینوار سقوط می‌کنند.

اولویت صلح، ویژگی بارز دیگر راهبرد امام خمینی (ره) که برگرفته از مبانی دین است. به بیان دیگر، هنگامی که به استراتژی مبارزاتی امام خمینی (ره) در سال‌های پس از تبعید و حتی پیش‌ازاین آن می‌نگریم شاهد آن هستیم که ایشان در طول سال‌های مبارزه با شاه هیچ‌وقت به جنگ مسلحانه راضی نشد. عدم صدور فتوا و حمایت از هیئت‌های متولفه در اعدام انقلابی تصویب کنند کاپیتولاسیون در ایران یعنی حسنعلی منصور تأیید دیگر درباره این ادعا است. پیرامون موضوع گیری امام خمینی (ره) با سازمان مجاهدین خلق و استراتژی مبارزه مسلحانه در برابر رژیم پهلوی باید گفت که ایشان، با نهایت درایت هیچ توصیه‌ای از یارانش و رهبران مبارزات سیاسی در تأیید این گروه را نپذیرفت و بر فقدان هرگونه تلقی دینی در اندیشه سازمان مجاهدین خلق (بی‌ایمانی این افراد) تأکید کرد و این در زمانی بود که حسین احمدی روحانی و تراب حق‌شناس و تقی شهرام رهبری سازمان را بر عهده داشتند و با ایشان در نجف به مذاکره پرداختند. حتی در برابر اصرارهای بسیار حسین روحانی مبنی بر تجویز گسترش نبرد مسلحانه یا تجویز حمایت مسلمانان پیرو امام خمینی از مبارزات مسلحانه مجاهدین خلق، امام خمینی به‌هیچ‌روی آن را نپذیرفت و تأکید کرد که این مسئله سبب گسترش برادرکشی و خشونت بی‌رویه و بی‌نتیجه در میان مردم ایران و ایجاد شکاف بین ملت خواهد شد و همچنان که خون جوانان مبارز سیاسی محترم است، خون سرباز مجبور در اطاعت از اراده حاکمیتی نیز محترم است. (توکلی، ۱۳۸۸، ص ۹۴)

بنابراین یکی از بارزترین ویژگی‌های راهبرد دینی امام خمینی (ره) برای تحقق انقلاب اسلامی، آرام بودن و مسالمت‌آمیز بودن آن و تحقق انقلاب به دو از توسل به خشونت و قوای قهرآمیز بود که موجب گردید ثمرات این نهضت، چشمگیر و ضایعاتش نسبت به ثمراتش کم باشد. «جراد دی. گرین» در کتاب انقلاب در ایران که به سال ۱۹۸۲ در آمریکا منتشر شد بر این مشخصه تأکید دارد. «جان فوران» نیز ویژگی غیرنظامی و آرام انقلاب اسلامی را پردازش می‌کند. (دهشیری، ۱۳۹۱، ص ۱۱۱)

اتخاذ این راهبرد از سوی امام خمینی (ره) نقش اساسی در تحقق انقلاب اسلامی ایران داشت. به‌بیان دیگر رهبری یکی از ارکان مهم هر انقلاب می‌باشد که مردم «بر پایه قبول نظریاتش به او معتقد می‌شوند و دعوتش را به خاطر منطقی که در اصالت پیام و حقیقت اندیشه‌اش می‌یابند، می‌پذیرند» (محمدی، ۱۳۸۲، ص ۴۵) با این تعبیر از جمله دلایل پشتیبانی همه‌جانبه مردم از امام خمینی (ره) وجود همین عقلانیت و منطقی بود که در اصالت پیام و حقیقت اندیشه ایشان نهفته بود که باعث می‌شد مردم برای رسیدن به آرمان‌های خود و رهبر خود که همان برچیدن حکومت وابسته با آمریکا و برپایی حکومت اسلامی است، فداکاری کنند.

با این توضیح روشن گردید که استراتژی امام خمینی (ره) بر اساس تمرکز بر قانون قدرت و مرکز فساد بود که توانست با بهره‌گیری از طبیعت این راهبرد را برای مردم ساده‌سازی کند و توده مردم را با خود همراه سازد. این ساده‌سازی باعث شد که از قشر تحصیل‌کرده تا قشر کارگر و روستایی، زبان امام را درک کند و ایشان را ته نیل به اهداف نهضت همراهی کنند. این نقطه تمایز استراتژی مبارزاتی امام با سایر جریان‌ها معارض با شاه (چریک‌های چپ و ملی‌گرایان لیبرال) بود.

از این رو این، ویژگی‌های منحصر به فرد استراتژی مبارزاتی امام خمینی (ره) بود که باعث شد تا توده مردم به همراهی ایشان بشتابند و در تمامی مراحل انقلاب و پس از آن، گوش به فرمان رهبر خود باقی بماند و این نهضت را از تمام دسیسه‌ها حفظ کنند.

امام خمینی (ره) معتقد بودند که اسلام، اولویت را بر صلح طلبی قرار داده است اما تحقق این مهم را بدون پیش‌بینی تمهیدات و سازوکارها و ضمانت اجرایی لازم، مفید نمی‌دانستند، لذا در صورتی صلح‌گرایی می‌تواند منجر به تحقق صلح و ثبات پایدار در جهان باشد که ملت‌ها به قراردادهای فی‌مابین و عرف بین‌المللی پایبند و بر ضرورت رعایت اصول و قواعد بشری التزام عملی داشته باشند. همچنین امام خمینی (ره) بر این اعتقاد بودند که صلح در صورت نفی خودخواهی و سرکشی‌های نفسانی و تحقق محیطی امن، پایدار می‌ماند لذا در صورتی که منشأ نزاع و اختلاف‌ها یعنی خودگرایی به خدا گرایی جهت یابد بشریت روی صلح و آرامش و ثبات را در جهان می‌بیند. (دهشیری، ۱۳۹۱، ص ۳۸۷)

از این رو اصل صلح تنها یکی از اصول حاکم بر استراتژی امام خمینی (ره) است که نیاز دارد در کنار آن و به شکل خلاصه سایر اصول نیز مورد واکاوی قرار گیرد. به بیان دیگر بررسی قاعده صلح در دیدگاه امام خمینی (ره) نیازمند تحلیل سایر قواعد فقهی است. از جمله قواعد فقهی دیگر که در تحلیل این اصل باید مورد توجه قرار گیرد، اصولی چون: «اصل دعوت، اصل عدالت، اصل نفی سبیل، اصل نفی ظلم، اصل تکلیف، اصل عمل به قدر مقدور، اصل حرمت کمک بر گناه، اصل وفای به عهد، و قاعده تولی و تبری است». با این بیان تحلیل تک‌بعدی جایگاه «اصل صلح» در استراتژی امام خمینی (ره) ابتر و ناتمام است.



رئیس جمهور	میلادی	شمسی	دکترین	نتایج سیاست	واکنش امام خمینی
هری ترومن	۴۵ تا ۵۳	۲۴ تا ۳۱	دکترین سد نفوذ	ایجاد وابستگی اقتصادی و سیاسی و تربیت نسل وابسته به امریکا تا انقلاب	نقش پررنگ آیت الله بروجردی و آیت الله کاشانی تا سال ۱۳۴۰
دیوید آیزنهاور	۵۳ تا ۶۱	۳۱ تا ۳۹	جواز مداخله نظامی در کشورها متحد امریکا	کودتای ۲۸ مرداد و شکست نهضت ملی شدن صنعت نفت و گسترش دیکتاتوری پهلوی دوم	انتقاد بر مصدق به خاطر روی کرد مسالمت آمیز
جان اف کندی	۶۱ تا ۶۳	۳۹ تا ۴۲	اصلاحات اقتصادی و مبارزه با دیکتاتوری ها	اصلاحات ارضی، تضعیف کشاورزی، از دست رفتن منابع زیرزمینی، وابستگی کشاورزی	انتقاد به علی امینی در اصلاحات ارضی تحریم تقیه، قیام ۱۵ خرداد
لیدون جانسون	۶۳ تا ۶۹	۴۲ تا ۴۷	حمایت از تمام کشورهای همسو آمریکا لاتین دیکتاتور	کاهش کمک های بلاعوض و اعطای وام های بلندمدت. تصویب کاپیتولاسیون	سخنرانی علیه کاپیتولاسیون و تبعید از ایران.
ریچارد نیکسون	۶۹ تا ۷۴	۴۷ تا ۵۳	سیاست دوستونی (ایران و عربستان)	بازگشت دلارهای نفتی به امریکا و تأمین امنیت برای آمریکا بدن هزینه	تشریح ولایت فقیه در نجف و نگارش کتاب حکومت اسلامی.
جرارد فورد	۷۴ تا ۷۷	۵۳ تا ۵۵	ادامه سیاست دوستونی نیکسون	اوج روابط ایران و امریکا در واردات اقتصادی در عرصه نظامی	انتقاد نسبت به خریدهای نظامی محمدرضا پهلوی
جیمی کارتر	۷۷ تا ۸۱	۵۵ تا ۵۹	فضای باز سیاسی	رویکرد متعارض با انقلاب ایران و واگذاری تصمیم به شاه	ارائه نظریه ای که آمریکا را «سر مار» معرفی می کرد

نتیجه گیری

هنگامی که استراتژی، یک روش یا طرح برای نیل به یک هدف تعریف شد، مشاهده کردیم که امام راحل در رسیدن به اهداف خود، موفق تر از رقیب عمل نمود. تا جای که هامیلتون جردن، رئیس وقت کاخ سفید در کتاب بحران خود اعتراف کرد که قدمی که برداشتیم، آیت الله خمینی یک قدم از ما پیش بود. با این توضیح هنگامی که امام را بادید یک استراتژیست مورد مطالعه قرار داده شد، شاهد آن بودیم که ایده ها و راهبردهای ایشان در تصمیم گیری حساس و تاریخی، روشن تر از گذشته نمایان شد.

پیرامون مبانی دینی استراتژی امام خمینی (ره) روشن گردید، که راهبرد دینی ایشان بر گرفته از فقه جواهری و با مد نظر قرار دادن دو عنصر زمان و مکان؛ «عمل به قدر مقدور» است که در این راستا نه صلح اصالت پیدا می‌کند و نه جنگ بلکه اولویت با صلح است. لذا بررسی راهبرد امام خمینی (ره) تنها در گروه شناخت قواعد فقهی حاکم بر اندیشه ایشان است

از سوی دیگر روشن شد که راهبردهای سران ایالات متحده «ترومن، آیزنهاور، کندی، جانسون، نیکسون، فورد و کارتر» و دکترین آن‌ها نقش محوری در راهبردهای ایران داشت. همچنین تفاوتی بین جمهوری خواهان و دمکرات‌ها در استفاده از ابزار «خشونت و جنگ» وجود نداشت و هر کدام از این روسا در موارد متعددی که منجر به کشتار مردم ایران شد، با صرف نظر از هر حزبی که بودند، به حمایت از جنایات محمدرضا پهلوی پرداختند. امام خمینی (ره) نیز با آگاهی از این موضوع، در عرصه مبارزاتی خود، با شناخت دقیق از ایالات متحده و رژیم دست‌نشانده پهلوی و با بهره‌گیری از راهبردی هوشمندانه، توانستند ابتدا نقطه ثقل سیستم (امریکا) را نشانه بگیرد و پس از آن، دست‌نشاندهان امریکا را از کشور خارج کند. در این راهبرد هر جا که توانست بر اصل اصلاحات تأکید و هنگامی که زمینه برای فروپاشی سلطنت فراهم شد، بدون عقب‌نشینی از اهداف خود، بر آن فائق آمد.

منابع

۱. احمدی، محمدرضا، خاطرات آیت‌الله حسن طاهری خرم‌آبادی، چ ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲. اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۷۳، مروری بر روابط ایران و عربستان در دو دهه اخیر، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
۳. ازغندی، علیرضا، روش‌ن‌دل، جلیل، ۱۳۹۱، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، چ ۱۳، تهران، سمت.
۴. ازغندی، علیرضا، ۱۳۷۶، روابط خارجی ایران (دولت دست‌نشانده) ۱۳۵۷-۱۳۲۰، تهران، قومس.
۵. امام خمینی، ۱۳۲۷، کشف اسرار، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی.
۶. آبراهامیان، پروانه، ۱۳۷۸، ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، تهران، نشر مرکز.
۷. آبراهامیان، پروانه، ۱۳۸۹، تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی.
۸. باری، روبین، ۱۳۶۳، جنگ قدرت‌ها در ایران، ترجمه محمود مشرقی، تهران، انتشارات آشتیانی.
۹. بلیک، کریستین، ۱۳۹۴، روابط خارجی ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۱؛ روایتی جدید از رویارویی آمریکا و شوروی در ایران، ترجمه علی باقری دولت‌آبادی و حوریه دهقان، تهران، مخاطب.
۱۰. بیل، جیمز، ۱۳۷۱، شیر و عقاب، ترجمه: فروزنده جهان‌شاهی، تهران، فاخته.
۱۱. ترابی، یوسف، ۱۳۷۹، بررسی روابط اقتصادی، نظامی ایران و ایالات متحده آمریکا، تهران، موسسه چاپ و نشر عروج.
۱۲. توکلی، یعقوب، ۱۳۸۸، دو نظریه تروریسم و فداکاری در ایران، تهران، سوره مهر.
۱۳. توکلی، یعقوب، ۱۳۹۲، امام خمینی؛ مرد در انتهای افق، قم، نشر معارف.
۱۴. جردن، هامیلتون، ۱۳۶۴، ترجمه محمود مشرقی، بحران (سال آخری ریاست جمهوری کارتر)، تهران، انتشارات هفته.
۱۵. حیدری، منصور، نیازی نشاط، کاظم، پاییز ۱۳۹۳، روابط اقتصادی ایران و آمریکا در دوره ریاست جمهوری لیندون جانسون (۱۳۴۸-۱۳۴۲ ش)، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، دوره ۱۵، شماره ۶۰، صفحه ۱۲۷-۱۵۸.
۱۶. خمینی، سید احمد، ۱۳۷۸، دلیل آفتاب (خاطرات یادگار امام)، چ ۳، تهران، عروج.
۱۷. ساجدی، عبدالله، ۱۳۸۸، «اصل چهار ترومن و گستره فعالیت آن در ایران»، مجله پیک نور، سال هفتم، شماره دوم ص ۱۲۰-۱۳۰.
۱۸. سمسون، آنتونی، ۱۳۶۲، بازار اسلحه، ترجمه فضل‌الله نیک‌آئین، تهران، امیرکبیر.
۱۹. سولیوان ویلیام، و پارسونز، آنتونی، ۱۳۷۲، خاطرات دو سفیر، ترجمه محمود طلوعی، تهران، نشر علم.
۲۰. شریعتی، روح‌الله، ۱۳۸۷، قواعد فقه سیاسی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۲۱. شفیعی، عباس، ۱۳۸۵، استراتژی رهبری امام خمینی(س)، تهران، چاپ و نشر عروج.
۲۲. شماع زاده، احمد، ۱۳۶۷، راهنما و مشخصات معاهدات دوجانبه ایران با کشورهای جهان، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه.
۲۳. صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی(ره)، بی‌تا، (از سری نرم‌افزارهای مجموعه نور) تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۲۴. فرنچ، درک، و ساورد، هیثر، ۱۳۷۱، فرهنگ مدیریت، ترجمه محمد صائبی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۲۵. فوران، جان، ۱۳۸۲، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
۲۶. فونتن، آندره، ۱۳۶۹، تاریخ جنگ سرد: جلد اول، از انقلاب اکتبر تا جنگ کره (۱۹۵۰-۱۹۱۷)، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، چاپ سوم تهران، نشر نو.
۲۷. کاتوزیان، محمدعلی، ۱۳۷۷، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، مرکز.
۲۸. کدی، نیکی آر، ۱۳۶۹، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه- عبدالرحیم گواهی، تهران، نشر قلم.
۲۹. کرباسیان، اکبر، دی ۱۳۷۸، «تحلیلی بر نتایج اجرای اصل چهار ترومن در ایران»، مجله گزارش، شماره ۱۰۷، ص ۶۴-۷۲.
۳۰. گرانوفسکی، ۱۳۵۹، ادوین آردیدوویچ، تاریخ ایران از باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران، انتشارات پویش.
۳۱. گراهام، رابرت، ۱۳۵۹، ایران سراب قدرت، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران، سحاب.
۳۲. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۲، تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، تهران، امیرکبیر.
۳۳. مصطفوی، سید محمدکاظم، ۱۴۲۱ق، القواعد، ج ۴، قم، جامعه مدرسین.
۳۴. ملک محمدی، ۱۳۸۵، حمیدرضا، ژنرال و ژاندارم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۵. موثقی، احمد، ۱۳۸۵، نوسازی و اصلاحات در ایران، تهران، قومس.
۳۶. مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، ۱۳۷۴، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، چاپ دوم، تهران، نشر البرز.
۳۷. نجاتی، غلامرضا، ۱۳۹۷، تاریخ سیاسی ۲۵ ساله ایران، چاپ نهم، تهران، انتشارات رسا.
۳۸. نهاوندی، هوشنگ، ۱۳۹۳، آخرین شاهنشاه، تهران، شهر کتاب.
۳۹. واعظی، حسن، بی‌تا، ایران و آمریکا، تهران، سروش.
۴۰. الهی، همایون، ۱۳۸۳، خلیج فارس و مسائل آن، چ هشتم، تهران، نشر قومس.

41. Daft, 1995 Richard L., Organization Theory and Design, New York: west pub.com